

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آخاندرو مارکو دل پونت
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۰۹ اپریل ۲۰۲۰

توضیح ستراتیژی اقتصادی جدید ایالات متحده: انفجار کنترل شده



این جنگ تجاری نسخه ۲.۰ است: چگونه ایالات متحده از تعرفه‌ها برای بازآفرینی اقتصاد خود استفاده می‌کند. همانطور که در بخش اول تحلیل خود درباره ستراتیژی اقتصادی جدید ایالات متحده بررسی کردیم، اقدامات دولت دونالد ترامپ طبق برنامه پیش می‌رود. با این حال، یادآوری اهداف اولیه ضروری است: کاهش نرخ بهره، بازپرداخت بدهی‌های دولتی و کاهش ارزش دلار. این اقدامات، که برای هماهنگی با شرکای تجاری ایالات متحده طراحی شده بودند، شامل دو رکن اساسی بودند:

* - خرید اوراق قرضه خزانه‌داری توسط متحدان برای بازسازی بدهی.

* - اجتناب از جنگ ارزی، که بازارهای جهانی را بی‌ثبات می‌کند.

سناریوی جایگزین، در صورت مقاومت، آغاز یک جنگ تجاری، که اکنون ما شاهد اولین اثرات آن هستیم. یک روز پس از آن که رئیس جمهور ترامپ تعرفه‌های رادیکالی را اعلام کرد که بازارهای سهام سراسر جهان را تکان داد، بازده اوراق قرضه ۱۰ ساله خزانه‌داری، که بر هزینه انواع وام‌ها تأثیر می‌گذارد، صبح پنجشنبه ۳ اپریل به زیر ۴٪ سقوط کرد، در حالی که روز قبل ۴.۲۰٪ بود، یعنی به پایین‌ترین سطح خود از اواسط اکتوبر رسید. افزایش قیمت اوراق قرضه - زمانی که قیمت اوراق قرضه بالا می‌رود، بازده و نرخ بهره پائین می‌آید - در بحبوحه موج فروش سهام در سطح جهانی رخ داد که باعث شد شاخص S&P 500 بیش از ۴٪ در معاملات سقوط کند.

[وقتی ترمپ اعلام کرد که تعرفه‌های سنگینی روی کالاهای خارجی می‌گذارد (یعنی واردات را گران‌تر می‌کند)، این خبر بازارهای مالی دنیا را شوکه کرد. سرمایه‌گذاران ترسیدند که این سیاست باعث رکود اقتصادی یا اختلال در تجارت جهانی شود.

(۱) سهام جهانی شروع به ریزش کرد.

یعنی خیلی‌ها شروع کردند به فروش سهامشان (چون نگران بودند قیمت‌ها بیشتر سقوط کند)، و همین باعث شد شاخص مهم بورس آمریکا به نام S&P 500 بیش از ۴٪ کاهش پیدا کند، که افت بزرگی به حساب می‌آید.

(۲) مردم پولشان را به اوراق قرضه دولتی منتقل کردند.

اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا نوعی سرمایه‌گذاری امن است. وقتی بازار سهام سقوط می‌کند، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند پولشان را به جایی امن‌تر ببرند. برای همین، تقاضا برای خرید اوراق قرضه بالا رفت.

(۳) قیمت اوراق بالا رفت و «بازده» آنها پائین آمد.

این خیلی مهم است: وقتی مردم زیادی اوراق قرضه می‌خرند، قیمت آن بالا می‌رود. اما چون سود (بازده) آن مقدار ثابتی است، هرچه قیمت اوراق بالاتر رود، نسبت سود به قیمت کمتر می‌شود.

در نتیجه، بازده اوراق قرضه ۱۰ ساله آمریکا به زیر ۴٪ سقوط کرد (یعنی سرمایه‌گذارانی که این اوراق را می‌خریدند، سود کمتری می‌بردند)

(۴) چرا این مهم است؟

بازده این اوراق مثل یک شاخص برای نرخ بهره در کل اقتصاد عمل می‌کند. وقتی بازده پائین می‌آید، وام گرفتن برای افراد و شرکت‌ها ارزان‌تر می‌شود. این می‌تواند به اقتصاد کمک کند، ولی از طرف دیگر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران از آینده اقتصاد نگران هستند. – مترجم]

ایده اول، یعنی کاهش بازده اوراق قرضه خزانه‌داری به پائین‌ترین سطح تقریباً شش ماهه، با آنچه ترمپ در مبارزات انتخاباتی خود تبلیغ می‌کرد، سازگار است: کاهش نرخ بهره، توافق مار-آ-لاگو، و از زمان بازگشت به کاخ سفید بارها از فدرال رزرو خواسته است که آنها را کاهش دهد. همانطور که دیدیم، بازده اوراق قرضه ۱۰ ساله خزانه‌داری از زمان روی کار آمدن ترمپ کاهش یافته است.

شاخص دالر در سال ۲۰۲۴، ۴٪ کاهش یافته است، که بدترین شروع سال آن از سال ۲۰۱۶ است. در ۲ اپریل، ارزش پول ایالات متحده در برابر یورو، یین و فرانک سوئیس کاهش یافت، که نشان دهنده فرار سرمایه‌گذاران به دارایی‌های «امن» است. هدف از کاهش ارزش، رقابتی‌تر کردن صادرات ایالات متحده است، اما این امر بستگی به این دارد که کشورهای دیگر با کاهش ارزش رقابتی پاسخ ندهند.

تاکنون، این انفجار کنترل‌شده به واکنش‌های مورد انتظار دست یافته است. قیمت اوراق قرضه کاهش یافته و در نتیجه، بهره بدهی کمتر شده، ارزش دالر کاهش یافته و اگر جنگ ارزی رخ ندهد و کشورها به طور رقابتی ارزش پول خود را کاهش ندهند، ایده کالاهای رقابتی آمریکایی تثبیت می‌شود. اگرچه، همانطور که خواهیم دید، برخی نکات ناگفته باقی مانده است.

[در سال ۲۰۲۴، ارزش دالر آمریکا نسبت به ارزهای دیگر (مثل یورو، یین جاپان و فرانک سوئیس) حدود ۴٪ کم شده. این یعنی دالر ضعیف‌تر شده و نسبت به گذشته، با مقدار دالر کمتری می‌توان همان مقدار یورو یا یین خرید. این بدترین شروع سال برای دالر از سال ۲۰۱۶ تاکنون بوده.

اما چرا این اتفاق افتاده؟

وقتی اوضاع اقتصادی یا سیاسی نامطمئن می‌شود (مثل زمانی که تعرفه‌های بالا اعمال می‌شود و جنگ تجاری ممکن است شروع شود)، سرمایه‌گذاران دنبال مکان‌هایی می‌گردند که پولشان را در امان نگه دارند. این دارایی‌های «امن» معمولاً شامل اوراق قرضه دولت‌های با ثبات یا ارزهایی مثل فرانک سوئیس هستند.

برای همین، عده زیادی دلرشان را تبدیل کرده‌اند به ارزهای دیگر یا دارایی‌های امن‌تر، که باعث شده تقاضا برای دلر کم شود و در نتیجه ارزش آن کاهش یابد.

کاهش ارزش دلر چه فایده‌ای دارد؟

وقتی دلر ارزان‌تر می‌شود، کالاهای امریکائی برای کشورهای دیگر ارزان‌تر تمام می‌شود. مثلاً یک ماشین امریکائی برای یک خریدار اروپائی، وقتی دلر ارزان‌تر شده، قیمت پائین‌تری دارد. این باعث می‌شود صادرات امریکا افزایش پیدا کند چون کالاهایش در بازار جهانی رقابتی‌تر می‌شوند.

اما...

این کار فقط در صورتی جواب می‌دهد که کشورهای دیگر هم نخواهند ارزش پول خودشان را پائین بیاورند. چون اگر مثلاً جاپان هم ارزش ین را پائین بیاورد، دوباره رقابت سر جای اولش برمی‌گردد و فایده‌ای برای امریکا ندارد. این نوعی به «جنگ ارزی» منجر می‌شود، یعنی کشورها با هم وارد رقابت می‌شوند تا پول خودشان را ضعیف‌تر کنند و صادرات بیشتری داشته باشند.

تا اینجا کار، شرایط طبق برنامه پیش رفته:

ارزش دلر پائین آمده

قیمت اوراق قرضه بالا رفته (و نرخ بهره کمتر شده)

صادرات امریکا می‌تواند رقابتی‌تر شود

اما این موفقیت شکننده است و اگر کشورهای دیگر هم وارد رقابت کاهش ارزش پول شوند، ممکن است همه چیز به هم بریزد. - مترجم]

باید روشن شود که جنگ تجاری و جنگ ارزی دو نوع درگیری اقتصادی بین کشورها هستند، اما در اهداف و سازوکارهای خود تفاوت‌های کلیدی دارند: جنگ‌های تجاری درگیری‌هایی هستند که در آن کشورها برای محافظت از صنایع داخلی خود یا تحت فشار قرار دادن کشورهای دیگر، موانع تجاری (مانند تعرفه‌ها، سهمیه‌ها یا ممنوعیت‌ها) اعمال می‌کنند. هدف کاهش کسری تجاری، جایگزینی واردات، محافظت از مشاغل محلی یا مجازات یک رقیب اقتصادی است.

در حالی که جنگ تجاری بر تعرفه‌ها متمرکز است (حمایت از صنایع داخلی)، جنگ ارزی شامل دستکاری ارزش پول برای به دست آوردن مزیت رقابتی است. ترمپ اولی را به راه انداخته است، اما از دومی اجتناب می‌کند... فعلاً. اقدامات حمایتی ترمپ محرک بوده‌اند: چین تعرفه ۳۴ درصدی بر محصولات امریکائی اعمال کرد، اما از کاهش ارزش یوان خودداری کرد و درگیری را به حوزه تجارت محدود کرد. در حالی که جدول فریبنده موسی-ترمپ شروع به ثمر دادن کرد. ویتنام خواستار مذاکره برای کاهش تعرفه‌ها و ایجاد تنفس برای تولیدکنندگان کفش شد.

دولت ویتنام از ایالات متحده تعلیق تعرفه‌های ۴۶ درصدی اعلام شده توسط ترمپ را درخواست کرده بود. در این اقدامات خطرات و تناقضاتی وجود دارد. به عنوان مثال، آیا ممکن است به سمت یک رکود برنامه‌ریزی شده پیش برویم؟ خوب، جروم پاول، رئیس فدرال رزرو، هشدار داد که تعرفه‌های ترمپ می‌تواند تورم را تسریع و رشد را

کند کند. به طور متناقض، این ممکن است به نفع این طرح باشد: تورم بالاتر ارزش واقعی بدهی را کاهش می‌دهد. رکود باعث کاهش نرخ بهره و سقوط ارزش نفت، هدف دیگر ترمپ، می‌شود.

تعرفه‌ها به طور استثنائی بالا بوده‌اند تا به آنچه دولت جمهوری‌خواه یا پروژه ۲۰۲۵ می‌خواهند برسند: بازنشانی اقتصاد، مذاکره با کشورهایی که می‌خواهند با خرید اوراق قرضه یا حمایت از کاهش ارزش دلار از رکود جلوگیری کنند.

با این حال، باید در نظر داشت که واردات و صادرات ایالات متحده دیگر نیروی تعیین‌کننده تجارت جهانی نیستند. سهم تجارت ایالات متحده در تجارت جهانی، اگرچه کوچک نیست، در حال حاضر ۱۰.۳۵٪ است. با این حال، این رقم نسبت به ۱۴٪ در سال ۱۹۹۰ کاهش یافته است. در مقابل، سهم اتحادیه اروپا در تجارت جهانی ۲۹٪ است (در مقایسه با ۳۴٪ در سال ۱۹۹۰)، در حالی که کشورهای به اصطلاح بریکس اکنون سهمی ۱۷.۵٪ دارند، در حالی که در سال ۱۹۹۰ تنها ۱.۸٪ بود.

به گفته اقتصاددان مایکل رابرتز، ایالات متحده به دلیل حجم بالای محصولات چینی که با قیمت‌های رقابتی وارد می‌کند، کسری تجاری عظیمی با چین دارد. این تا دهه ۲۰۰۰ برای سرمایه‌داری امریکا مشکلی نبود، زیرا سرمایه امریکا با وجود کسری تجاری، انتقال خالص ارزش اضافی از چین دریافت می‌کرد. با این حال، با کاهش کسری فناوری چین با ایالات متحده در قرن بیست و یکم، این سودها شروع به ناپدید شدن کردند. دلیل ژئواکونومیک آغاز جنگ تجاری و فناوری علیه چین در همین جا نهفته است.

تعرفه‌های ترمپ یک رهایی نخواهند بود، بلکه تنها احتمال افزایش مجدد تورم داخلی و سقوط به رکود را افزایش می‌دهند، که به نظر من، هر دو پیامدهای پذیرفته شده توسط مجریان آن هستند. حتی قبل از اعلام تعرفه‌های جدید، نشانه‌های قابل توجهی وجود داشت که اقتصاد ایالات متحده با سرعت بالایی در حال کند شدن بود. سرمایه‌گذاران مالی در حال حاضر با فروش سهام، «احتمان‌ترین جنگ تجاری تاریخ» ترمپ را ارزیابی می‌کنند. سهام «هفت غول» سابق امریکا (اپل، مایکروسافت، آمازون، آلفابت، متا، انویدیا و تسلا) در حال حاضر در بازار نزولی قرار دارند، یعنی بیش از ۲۰٪ از ارزش خود را از کریسمس از دست داده‌اند.

این یک جنگ تجاری معمولی نیست، بلکه تلاشی برای «بازنشانی» نظام اقتصادی به نفع ایالات متحده است. تعرفه‌ها برای همین منظور وضع شده‌اند. مشکل این است که در انفجارهای کنترل‌شده، همیشه جرقه‌های غیرقابل پیش‌بینی وجود دارد.

[۰۸ اپریل ۲۰۲۵](#)